

## ویژگی‌ها و امتیازات تفسیر راهنما

### میزگرد با حضور صاحب‌نظران قرآنی

در هشتمین نشست از مجموعه نشست‌های قرآن‌پژوهی دوازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم «تفسیر راهنما» توسط دست‌اندرکاران این مجموعه معرفی شد و درباره روش‌های تحقیقاتی، گروه‌ها و واحدهای مختلفی که در تهیه تفسیر نقش داشته‌اند، توضیحاتی ارائه گردید. در این نشست حجج‌اسلام: معادیخواه (دبیر نشست)، محمدعلی ایازی (از قرآن‌پژوهان و مسئول سابق مرکز فرهنگ و معارف قرآن)، ملاحسنی (مسئول بخش نمایه تفسیر راهنما)، ابوطالب طالبی (از محققان تفسیر راهنما)، علی‌محمد یزدی (از محققان تفسیر راهنما) و محمد مرادی (مسئول سابق بخش نمایه تفسیر راهنما) حضور داشتند. مشروح مذاکرات این نشست از قرار زیر است:

\* \* \*

معادیخواه: خدمت میهمانان عزیزی که در این نشست حضور دارند، خیر مقدم عرض می‌کنم و این ماه مبارک رمضان، ماه نزول قرآن را به همگان تبریک عرض می‌کنم. تحقیقات نوین در شهر قم از سال‌ها پیش شروع شده و نهادی به قرآن‌پژوهی اختصاص پیدا کرده است. موضوع این نشست بررسی مجموعه‌ای به نام تفسیر راهنما است که یک نوع جدید از تفسیر قرآن کریم است و بعد از پیدایش جمهوری اسلامی ایران شروع شده و دارای تاریخچه‌ای است. شاید در بین دوستانی که در این نشست حضور دارند، بنده این توفیق را داشته‌ام که از لحظه شروع کاری که به کارهایی از جمله تفسیر راهنما انجامید، حضور داشتم. سال ۱۳۵۶ در زندان اوین، پس از حدود دو سال که بسیاری از دوستان از جمله «آیه‌الله هاشمی رفسنجانی» را ندیده بودم، در بند یک به هم رسیدیم و ایشان از کاری که در سال ۱۳۵۰ شروع شده و در آن کار، ایشان نیز حضور داشتند سراغ گرفتند. خلاصه مطلب این بود که زمانی تصمیم گرفته شد برای نهج‌البلاغه به اصطلاح آن روز یک «الکاشف معنوی» تهیه شود و خود این اقدام و فلسفه و انگیزه‌های آن تاریخچه‌ای دارد و بخشی از آن را من عهده‌دار شدم که به «فرهنگ آفتاب» انجامید که یک معجم معنوی برای نهج‌البلاغه است و ایشان از آن کار پرسیدند که به کجا رسیده است؟ چون کار پیش‌تر سبکی خاص داشت و من توضیحاتی دادم و گفتم که الان کار به این شکل و سبک است و ایشان این روش را پسندیدند و گفتند که خوب است برای قرآن نیز انجام شود و خود ایشان این کار را شروع کردند. در آن زمان کاری که انجام می‌شد، در واقع یک نوع نمایه‌سازی از مفاهیم قرآن کریم بود، که تاریخچه این کار یکی از بخش‌های خواندنی و شنیدنی تاریخ انقلاب اسلامی است. بخش عمده وقت ایشان در زندان به قرآن اختصاص می‌یافت و خوشبختانه می‌شد منابعی مثل تفاسیر را به زندان آورد، و حدود ۳۰ دفتر در آن زمان آماده شد و آن دفترها الان هست و کسانی که این دفترها را دارند، تفاوتی بین دفتر اول تا دفتر چهارم با دفترهای بعدی می‌بینند. دفترهای ۱ تا ۴ هر دو صفحه نوشته دارد، ولی دفتر پنجم به بعد فقط یک صفحه نوشته دارد که این نتیجه عدم توفیق و در واقع قطع همکاری بنده با ایشان به علت آزادی از زندان بود.

این شروع قضیه بود و در واقع هدف این بود که معجم معنوی برای قرآن کریم فراهم بشود، به طوری که اگر کسی بخواهد درباره موضوعی آیاتی از قرآن بیابد، با استفاده از طبقه‌بندی و موضوع‌بندی این مجموعه به خواسته خود برسد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مؤسس و بانی اصل کار، درگیر کارهای دیگری شدند. مدت‌ها ضمن اشتغال‌هایی که درباره

انقلاب و مسائل جمهوری اسلامی بود، این دغدغه بود که سرنوشت کار به کجا می‌انجامد؟ نهادهای بسیاری داوطلب شدند این کار را انجام دهند. از صدا و سیما گرفته تا حزب جمهوری اسلامی که در نهایت قرعه فال به نام دفتر تبلیغات اسلامی قم افتاد که دفترهای نیمه تمام را گرفتند و قرار شد کار را با تلاش فضایی قم به سامان برسانند.

مسئولیت اولین گروهی که کار را شروع کردند، با حجة الاسلام ایازی بود. از اینجا فعالیت با هدف تمام کردن کار نیمه تمامی شروع شد که باید منتهی به «معجم معنوی» قرآن کریم می‌شد؛ اما داستان به گونه‌ای دیگر پیش رفت؛ یعنی از دل این کار کارهای دیگری هم درآمد که بحث امشب فقط به تفسیر راهنما اختصاص یافته است که در واقع این تفسیر با آن کاری که گفتم، به شکلی ارتباط پیدا می‌کند. آنچه که بسیار مهم است، نقش چشمگیر و اساسی این کار در نهادینه شدن قرآن پژوهی در حوزه علمیه قم بود که افتخار بزرگی است، ولی در هر صورت تفسیر راهنمایی که امشب درباره آن بحث می‌کنیم، یک بخش از مجموعه کارهایی است که به آن معجم‌نویسی ارتباط پیدا می‌کند. از جناب آقای ایازی خواهش می‌کنم درباره ادامه کار و به خصوص آن مسائلی که به تفسیر راهنما مربوط می‌شود، توضیحاتی ارائه کنند.

ایازی: چون فرصت بسیار کم است. کمتر به تاریخچه تفسیر راهنما می‌پردازم، بلکه به جایگاه، اهداف و ویژگی‌های این تفسیر می‌پردازم و امید است که بقیه دوستان توضیح مرا کامل کنند. دفترهای تفسیر راهنما در سال ۱۳۶۶ به من واگذار شد. وقتی بررسی کردم، به آقای رفسنجانی پیشنهاد دادم که این کار به صورت گروهی و با استفاده از منابع گسترده تفسیری و روایی و لغوی ادامه پیدا کند؛ به همین دلیل، در سال ۱۳۶۶ گروه‌های تفسیر در قالب گروه‌های چهار و پنج نفری تقسیم شدند و هر دفتری و هر قسمتی از تفسیر را یک گروه بر عهده گرفت و بر روی آن کار می‌کرد و بسط و یا قبض می‌داد و سپس به دست گروه دوم می‌افتاد و گروه دوم آنها را بررسی می‌کرد و گروه دیگری آن را ویرایش و برای مراحل بعدی آماده می‌کرد.

محصول این تلاش‌ها ۲۰ جلد است. وقتی که ما برای تفسیر راهنما برنامه‌ریزی کردیم، عقیده داشتیم که تفسیر راهنما تنها یک تفسیر نیست، بلکه مجموعه کاری است که می‌تواند در مجموعه پژوهش‌های قرآنی قرار گیرد و کار نخستین آن این است که آنچه از پیامدها و مدلول‌های قرآن است، استخراج و طبقه‌بندی شود. از کارهای دیگر آن این است که یک کشف قرآن و فرهنگ موضوعی قرآن در کنار این کار نهفته شود و کار سوم که می‌تواند انجام شود، این است که یک بانک اطلاعات قرآن از مجموعه تفاسیر و نمایه‌های موضوعی آنها فراهم شود و در مرحله چهارم، نگاه این بود که همه مجموعه زمینه‌ای برای تهیه یک تفسیر موضوعی فراهم آورند؛ کاری که اکنون به نام تفسیر راهنما شناخته شده است و در آن دست کم هجده نفر نیروی محقق و زبده حوزه علمیه قم مسئول این مجموعه هستند که اگر این را با کار اولیه آن مقایسه کنیم، می‌توان گفت چهل درصد برای دوره اول بوده و بقیه این کار توسط محققان «مرکز فرهنگ و معارف قرآن» انجام گرفته است و علاوه بر این گروه، مجموعه دیگری نیز برای نمایه‌سازی کار می‌کردند که آقای مرادی مسئول آن بودند و هدف این بود که به صورت علمی و فنی نمایه‌سازی و اطلاعات را سازماندهی کنند، و بخش اطلاع‌رسانی در حوزه دین، کار جدیدی بود که در حوزه‌های علمیه انجام شد.

در زمینه جایگاه تفسیر راهنما می‌توان گفت: تفسیر راهنما به لحاظ طبقه‌بندی بین تفاسیر دیگر یک تفسیر عصری است؛ یعنی تفسیری که متعلق به زمان خود است و اگر آن را با تفاسیر موجود - ده تا بیست تفسیر موجود چه فارسی و چه عربی را که در این دو دهه اخیر در فرهنگ شیعه تولد یافته است - مقایسه کنیم، یکی از تفاسیر کارآمد قرآنی است که می‌تواند با مخاطبان خود به شکل طبقه‌بندی شده و با دسته‌بندی مطالب، ارتباط برقرار کند. ویژگی‌های این تفسیر را می‌توان به هفت ویژگی

رده‌بندی کرد:

در مجموعه تفاسیری که تا کنون چاپ شده، شاید تنها دو تفسیر داشته باشیم که به صورت گروهی انجام شده است؛ یکی تفسیر نمونه که حدود ۲۰ الی ۳۰ سال پیش بوده و یک تفسیر همین تفسیر است که از نظر استفاده از منابع و روزآمد کردن و دیگر خصوصیات، تفاوت جدی دارد و امتیاز اول این تفسیر را می‌توان گروهی بودن آن دانست که مجموعه گروه‌ها نظریات خود را بیان می‌کردند و نظر اکثریت مورد قبول قرار می‌گرفته و اعمال می‌شده است.

آقای معادیخواه گفتند که در زندان می‌توانستیم از منابع استفاده کنیم، اما به جرأت می‌توانم بگویم که حجم استفاده منابعی که محققان مرکز فرهنگ قرآن از منابع مختلف داشته‌اند، بی‌نظیر است و خود کتابخانه مرکز که یکی از بهترین کتابخانه‌های تخصصی جهان اسلام است، گویای این امر است؛ لذا ویژگی دوم این تفسیر بهره‌گیری از منابع فراوان است. ویژگی سوم این است که به لحاظ تقسیم‌بندی روشی، دارای دسته‌بندی مختلف است؛ برخی تفسیر قرآن به قرآن، برخی قرآن به حدیث، و برخی تفسیر قرآن به روش عقلی هستند و شیوه‌های مختلفی وجود دارد. تفسیر راهنما از همه شیوه‌های تفسیری استفاده کرده؛ یعنی هم از قرآن به عنوان یک منبع و هم از حدیث استفاده کرده و از روایات زیادی استفاده شده است و البته هر روایتی پذیرفته نمی‌شد؛ مگر اینکه مورد قبول جمع واقع می‌شد؛ لذا استفاده از حدیث نیز یکی از نکات مثبت و مهم تفسیر است. استفاده از عقل و تجربه‌های تفسیری یعنی استفاده از آرا و نظریات مفسران نیز مشهود است.

ویژگی چهارم، استفاده از مقایسه و تطبیق است؛ یکی از روش‌هایی که در دوران اخیر بر آن تأکید شده است و حضرت امام‌قدس سره نیز در تفسیر خود بر مقایسه و تطبیق تأکید کرده‌اند. این تطبیق‌ها را در کلید واژه‌ها شاید ببینیم و وقتی به مسائل زمان خود ارتباط پیدا می‌کنیم، این حوزه را کاملاً می‌فهمیم.

ویژگی پنجم تفسیر، نمایه‌سازی و بهره‌گیری از تقسیم مطالب به موضوعات قابل دسترسی است. وقتی تفسیر را نگاه می‌کنید، علاوه بر آنکه فهرست موضوعات دارد، در هر آیه موضوعاتی که با آن ارتباط دارد، به دقت مشخص شده است. شاید در تاریخ ایران و اسلام چنین نمایه نمونه‌ای نداشته باشیم و شاید بیش از دویست سیصد تفسیر را هم مقایسه کردیم. در جهان اسلام هیچ تفسیری را نداریم که طبقه‌بندی موضوعی را به این شکل علمی انجام داده باشد.

ششمین ویژگی که می‌توانیم درباره این تفسیر ذکر کنیم، استفاده از روش‌های نشانه‌شناسی است که اصطلاحاً ما امروز از آن به «سمانیک» تعبیر می‌کنیم، یعنی استفاده کردن از دلالت‌های مختلف و نشانه‌های ظاهری و غیر ظاهری دلالت‌های مطابقی،

تضمینی، التزامی و اقتضا و اشاره و امثال اینها که شکلی بسیار گسترده دارد...

ویژگی هفتم این تفسیر، بهره‌گیری از اندیشه‌های اجتماعی است.

و هشتمین ویژگی که به نظر من خیلی مهم است، این است که با تمام دقت‌ها و ژرف‌نگری‌ها، به زبان فارسی نوشته شده است و همه افراد فارسی زبان می‌توانند از آن در سطوح مختلف استفاده کنند و کاری که بعد از دوره مسئولیت من انجام شده، همراه شدن تفسیر با ترجمه‌ای از آیات است و البته آماده شدن این مجموعه برای فرهنگ موضوعی و تفسیر موضوعی قرآن است که این نیز از ویژگی‌های این مجموعه است. البته این همه خوبی‌ها و محاسن است و اگر فرصتی پیش آمد، درباره مورد دیگر نیز می‌توانیم صحبت کنیم.

معادیخواه: من یک پرائز باز می‌کنم و آن اینکه معتقدم ترجمه «بسم الله الرحمن الرحیم» در فارسی غلط رایج است؛ همه می‌گویند: «به نام خداوند بخشنده مهربان» کم‌ترین نقص این ترجمه آن است که «مهربان» و «بخشنده» هم خانواده نیست؛ در

حالی که رحمان و رحیم هم خانواده است.

حداقل انتظار از یک ترجمه این است که برای دو واژه هم خانواده در عربی دو واژه هم خانواده در فارسی پیدا کنیم. برای «رحمان» مهرگستر را انتخاب کردم و فکر کنم قابل دفاع باشد. به هر حال اگر بهتر از این شد که چه بهتر و گرنه دو واژه هم خانواده نیاز داریم. من برای دوستانی که در این جلسه حضور دارند و شاید این سؤال برایشان پیش بیاید که اصلاً این تفسیر راهنما چیست؟ به همین «بسم الله الرحمن الرحيم» اشاره می‌کنم. «بسم الله الرحمن الرحيم» می‌خواهد براساس این تفسیر روی کاغذ بیاید؛ موضوع‌های زیادی از «با»ی «بسم» گرفته شده است. وقتی شما می‌گویید «بسم الله الرحمن الرحيم» همین «باء» پیامی دارد که آغاز حرکت با اسم «الله» است نه «الله» و از همین جا وارد صفات و اسما می‌شویم و بعد خود «رحمان» و «رحیم» که به عنوان اسما و صفات الهی آمده است. بالأخره قرآن جاذبه دارد و ادب قرآنی که هر کاری با «بسم الله» شروع می‌شود و رابطه‌ای که این جاذبه رحمت در حرکت می‌تواند داشته باشد. همین این پیام‌ها استخراج می‌شود و نظم و ترتیب پیدا می‌کند و به همین ترتیب تفسیر آیات تا آخر قرآن ادامه پیدا می‌کند. از آقای طالبی می‌خواهیم که در مورد روش و شیوه کار تفسیر راهنما توضیح دهند.

طالبی: حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: قرآن یک لایه ظاهری دارد که بسیار زیباست، هر کس اندکی با زبان عربی آشنا باشد، قرآن را باز می‌کند آیات را می‌خواند مجذوب زیبایی بیان و اسلوب قرآن می‌شود، ولی علاوه بر این ظاهر زیبا که قرآن واجد آن است، در تفسیر راهنما سعی شده، در حد توان مطالبی را که آیات قرآن در ظاهر و در لایه‌های زیرینش به آنها اشاره کرده است، استخراج شود. باطن قرآن تمام شدنی نیست و بسیار ژرف است و ما نمی‌توانیم به قعر آن برسیم، ولی در حد توان می‌توانیم استخراج کنیم.

در تفسیر راهنما سعی شده، ابتدا بر هر آیه متمرکز شده و مهم‌ترین تفسیرهایی که از صدر اسلام تا زمان حاضر نوشته شده است، به دقت بررسی شود؛ سپس یکایک موضوع‌هایی را که می‌توانیم از این آیه استخراج کنیم، به صورت یک فیش و یک گزاره بلند و کوتاه به صورت شماره‌بندی لیست کنیم. این مطلب، بعضی ساده و آسان است، ولی بسیاری از آنها اگر توضیح داشته باشند، خواننده نمی‌تواند پی ببرد که چرا این مطلب از این آیه استخراج شده است. در تفسیر راهنما سعی شده است که مطالبی که به توضیح نیاز دارد، در ذیل فیش‌ها به صورت روان و ساده توضیح داده شود و بدین ترتیب، از ابتدا تا انتهای قرآن، آیات را یکایک مورد بررسی دقیق قرار داده و گروه، در حد توان خود هر موضوعی را که می‌توانستند، استخراج می‌کردند و اگر به توضیح نیاز بود، ذیل آن می‌نوشتند و به گروه دیگر برای نمایه‌سازی تحویل می‌دادند که آن، مرحله دوم کار و فهرست تفسیر راهنماست که حدود دو جلد می‌شود و تمام موضوع‌هایی که در تفسیر راهنما به صورت پراکنده آمده است، در آنجا جمع می‌شود و در واقع فهرست موضوعی کامل، برای قرآن است؛ برای مثال، اگر شما برای توضیحی به المعجم المفهرس مراجعه کنید، تنها پاسخ‌گوی موضوعی است که کلمه‌ای از آن در قرآن آمده باشد، ولی بسیاری از آیات است که درباره آن موضوع بحث و حرف دارد، ولی کلمه‌ای از واژه‌های مرتبط با آن در آیه نیامده است؛ در تفسیر راهنما سعی شده موضوع‌هایی که عنوان آن موضوع نیامده ولی در آیه مطرح است، استخراج شده و فهرست تفسیر راهنما که همان «کلید قرآن» است و شاید بیش از هزاران موضوع در آن جمع‌آوری شده، به صورت گسترده آنها را بیان کرده است.

یزدی: به نظر می‌رسد توضیح‌هایی که دوستان می‌دهند، پاسخ به پرسش‌هایی باشد که در ذهن حضار درباره تفسیر راهنماست، مگر پرسش‌هایی که ما پاسخ نداده باشیم؛ از جمله در مورد سؤال آقای معادینخواه که در مورد «بسم الله الرحمن الرحيم» گفتند؛

اما در تفسیر راهنما اصلاً «بسم الله» ترجمه نشده است و همان متن قرآن نوشته شده که این برخاسته از شیوه‌ای است که متصدیان تفسیر پیش گرفتند و بر آن بودند که نکته‌های «بسم الله الرحمن الرحيم» را استخراج و جدا جدا کنند و برای هر یک بند و جمله مستقلی بنویسند؛ مثلاً بنویسند: خدای تعالی دارای رحمت گسترده بر همه مخلوقات است و بگویند که این مطلب از «رحمان» استفاده شده است، تا مشخص شود از کجا استفاده شده و به همین مقدار اکتفا شده است. آن کلمه قرآنی نیز زیر آن جمله فارسی نگاشته شده تا هر خواننده‌ای که جمله فارسی را بخواند و آن بخش آیه را زیر آن ببیند، بداند از آن بخش آیه استفاده شده است. ممکن است عده‌ای چگونگی استخراج را به سادگی بفهمند و ممکن است عده‌ای نتوانند کشف کنند و نویسندگان در این باره توضیح داده‌اند که «رحمان» صیغه مبالغه است و با «رحيم» تفاوت دارد و این تفاوت در گستردگی همه مخلوقات یا در گستردگی خود رحمت و عظمت آن است.

بعد تفسیر راهنما کار خود را انجام داد، یعنی برداشت‌های متعدد از «بسم الله» تمام شد، باز این نیاز پیش می‌آید که خواننده تفسیر برای به دست آوردن یک مفاد اجمالی از آیه، تمام برداشت‌ها را بخواند تا به معنی برسد و شاید به زحمت بیفتد. برای آسان کردن کار، یک گروه دو نفره برای ترجمه جدید قرآن تشکیل شد. در این گروه دو نفره، یکی می‌نوشت و دیگری نقد می‌کرد. با توجه به برداشت‌ها می‌توانستیم همراه تفسیر یکی از ترجمه‌های موجود را ملاک قرار دهیم؛ اما فکر کردیم ممکن است با برداشت‌های تفسیر راهنما ناهماهنگ باشد و به خود اجازه نمی‌دهیم که در آن ترجمه دخل و تصرف کنیم؛ از این رو، تصمیم بر آن شد که ترجمه‌ای نوشته شود که با فیش‌ها و جمله‌های برداشت شده سازگار باشد.

مترجم و نقاد نیز در ترجمه آزاد بودند و شاید با برداشت کنندگان مطالب نیز هماهنگ نبودند و آخرین تلاش این بود که ترجمه با مطالب ذیل آیه، تناقض و تنافی نداشته باشد. اینکه در خود ترجمه، تمام برداشت‌ها منعکس شود، مسلماً امکان‌پذیر نبود؛ در کلمات عربی آن‌قدر مطالب گنجانده می‌شود که اگر عرب در ذهنش از یک کلمه معنایی داشته باشد که یک فارسی زبان بخواهد کلمه‌ای از فارسی را جایگزین کند، نمی‌تواند با یک یا دو کلمه معنی را برساند، مگر اینکه با جمله مفاد آن را بیان کند و شما اگر بخواهید تفاوت اساسی و حقیقی میان «رحمان» و «رحيم» را پیدا کنید، باید برداشت‌ها را بخوانید: آنجا منعکس شده که خود رحمان یا رحيم معنایش چیست یا ارتباط رحمان با رحيم چیست؟ اساساً «بسم الله الرحمن الرحيم» در آغاز قرآن به چه معنی است؟ اینها باید به صورت مطلب جدا مطرح شود تا یک فارسی زبان بتواند به معنی و فهم آنها دسترسی پیدا کند - و اینکه مثلاً من «بخشاینده» را به «مهرگستر» تبدیل کنم و خاطر جمع باشد که رحمان را ترجمه کردم و شاید اصلاً «مهر» نتواند کلمه رحمت عربی را منعکس کند؛ مهر با رحمت عربی فرق دارد.

رحمت کلمه‌ای است که در آن عطا کردن به دیگری نیز وجود دارد نعمت‌هایی که از روی دلسوزی بر دیگران می‌دهیم از مصادیق رحمت است و کلمه مهر کوتاه است و اینها را نمی‌رساند. عده‌ای در مرکز فرهنگ و معارف قرآن، برای رحيم، «مهرورز» را انتخاب کردند، و این انتخاب‌های گوناگون تنها در یک مرکز است که در آن ترجمه و تفسیر راهنما تدوین شده که در همان‌ها باز روی کلمات به این نتیجه واحد نرسیدند که همه یک چیز را انتخاب کنند.

در تفسیر راهنما، افزون بر اینکه محققان بخش ترجمه با محققان بخش تفسیر متفاوت‌اند، محققان بخش تفسیر پنجاه نفر بودند که در گروه‌های پنج نفری کار می‌کردند و گاه برداشت‌های هر گروه متفاوت بود. علت این است که کار گروهی این فایده را دارد که آن گروهی مطالبی را استخراج کرده و گروه دیگر از آیات دیگر مطالب مشابهی استخراج کرده است و مراجعه کننده به هر دو دسترسی پیدا می‌کند، هر چند عده‌ای، این را جزو عیوب این تفسیر دانستند. به این تصور که هر جا آیات مشابهی است،

پس باید تمامی مطالبی که ذیل آن است در ذیل این نیز بیاید، در حالی که ما خودمان به این نتیجه رسیدیم که اگر به آیات مشابهی - که به ظاهر مشابه است - دقت کنیم، می‌بینیم که مشابه نیست؛ زیرا جایگاه این آیه در آیات قبل و بعد معنای تازه‌ای به آن داده و در نتیجه برداشت‌ها متفاوت است.

معادینخواه: به نظر می‌آید که صحبت من درست فهمیده نشد. من به تفسیر راهنما نپرداختم، بلکه منظورم این بود که در ترجمه‌های موجود همه می‌گویند: «بخشاینده و مهربان» در مقایسه، من مهرگستر مهربان را انتخاب می‌کنم. اگر به ترجمه پردازیم، مثلاً همین «بسم الله» را مورد بحث قرار دهیم، بحث گسترده و طولانی می‌شود که آیا ما اصلاً می‌توانیم در ادبیات فارسی ترجمه‌ای از قرآن داشته باشیم، فعلاً ادعای بنده در مقایسه معنای «مهرگستر مهربان» این نقص را ندارد. من امیدوارم کاری از این نهاد پژوهشی قم شروع شود و یک باشگاه گفتمان ترجمه تشکیل شود که درباره ترجمه همه نظریات را گردآوری کند. ضمن آنکه باید گفت این جلسه نقد تفسیر راهنما نیست، بلکه معرفی آن است.

مرادی: من پیش از شروع سخن جمله‌ای را از آقای معادینخواه اصلاح کنم. ایشان از دست نوشته‌های زندان از ۳۰ دفتر نام بردند که ۲۲ دفتر است و البته از اول تا پایان قرآن هست. از سوره «فاتحه» تا سوره «ناس» کاملاً فیش برداری شده است؛ اما من تصورم این است که برای بررسی یک تفسیر لازم است چند چیز مورد عنایت قرار گیرد اول مبانی مفسر در شرح و نگارش آیات قرآن است. ممکن است مفسران مبانی‌ای برای خودشان انتخاب کنند که طبیعتاً این مبانی در روش تفسیر آنها مؤثر است و دوم، روش‌شناسی مفسر است که برای فهم نگاهش او مهم است، و سوم بررسی کمبودها و نقص‌ها و تطبیق مبانی و روش‌های مفسر با آنچه که انجام داده است و اینجا معلوم می‌شود که آیا مفسر راه درستی انتخاب کرده، یا اینکه آیا به مقصدی که انتخاب کرده، رسیده است؟

در تکمیل سخنان آقای ایازی باید گفت: اصولاً تفسیر راهنما برای تدوین کتاب مرجع قرآنی نگاشته شده است. همان‌طور که قرآن پژوهان می‌دانند، در قرآن، معارف فراوانی نهفته است که پاره‌ای با الفاظی بیان شده و پاره‌ای دیگر لفظ خاصی ندارد و در لابلای الفاظ و به صورت کنایه و اشاره آمده و یا به نحو چینش کلمات و هیأت جملات و کلمات بستگی دارد. پس از روشی که فکر می‌کنم «ژول لابوم» فرانسوی آغاز کننده آن بود، عمده کارها در قالب معجم لفظی بوده که در قالب کشف آیات، کشف لغات و در این گونه معجم‌ها تدوین می‌شد که رقم آنها هم کم نبود.

وقتی که دایره اسلام گسترش پیدا کرد حافظان قرآن اندک بودند و کسانی نمی‌توانستند قرآن را حفظ کنند و به چیزی دسترسی نداشتند؛ در نتیجه به این فکر افتادند که کسانی حداقل کشف‌الآیات و این قبیل کتاب‌ها را تدوین کنند و این شبیه کار «ژول لابوم» قرآن پژوه فرانسوی که تفسیر آیات را نگاشت که البته کاربرد آن در سطحی بسیار محدود است و فکر می‌کنم تا ۳۲ محور اصلی دارد و بقیه محورها فرعی است و در جهان عرب مورد استقبال قرار گرفته و بعد به ایران آمد که اعتماد السلطنه از علما درخواست کرد شبیه این کار در ایران نیز انجام شود و آنها کار جدیدی شروع کردند که تقریباً یک دوران گذار از دوران کشف‌اللغات و کشف‌الآیات به معجم‌نگاری موضوعی بود و بعدها توسعه یافت و بیشتر افرادی مثل مرحوم رامیار به تدوین معجم‌های موضوعی قرآن روی آوردند؛ یعنی طبقه‌بندی آیات به موضوع‌های مختلف؛ مانند مباحث عقیدتی، خانوادگی، اقتصادی و... که البته به هیچ وجه جامع و کامل نبود.

جریانی که در تفسیر راهنما شروع شد، همه آن مجموعه‌ها را مد نظر قرار داد و آنچه مد نظر بود، دیده نشد و تصمیم گرفته شد کتابی مرجع آماده شود که همه مطالب قرآن کریم به نحوی آورده شود، چه حاوی لفظ خاصی باشد و چه آن دسته که از

لابه‌لای آیات و کلمات و هیأت جملات به دست می‌آید، ولی لفظ خاصی ندارد و اگر کسی بخواهد آنها را از قرآن دریابد، باید به مشقت فراوان پیدا کند. در آغاز، آقای معادینخواه و آقای هاشمی رفسنجانی هم نظرشان این بود که کتاب مرجعی تدوین کنند. در همان ماه‌های اول کار برای اینکه همه ابعاد و مطالبی که در قرآن کریم آمده است، دقیق دیده شود، قرار شد همه تفاسیر با گرایش‌های مختلف مثل تفسیرهای علمی، اجتماعی و... مورد بررسی قرار گیرد که آیات از هر منظری دیده شود؛ به علاوه آنکه گروه‌های علمی تشکیل دادند و مباحث علمی، حقوقی، سیاسی و فرهنگی هم راه افتاد و در ماه‌های نخست، گروه‌ها شکل گرفت و قرار شد دوستان نگارنده تفسیر با توجه به لغات و واژه‌های جدید و تخصصی، تفسیر را بنگرند و نمایه‌سازی هم دقیق باشد تا این جامعیت کاملاً تحقق پیدا کند که متأسفانه این امر جامه عمل نپوشید.

آقای ایازی توضیح دادند که تفسیر راهنما عصری است، بنده می‌گویم تفسیر عصری است و می‌تواند باشد؛ به این دلیل که کتاب مرجع در پی انداختن طرح جدید نیست، گرچه که تلاش در این باره انجام شده است. امام صادق علیه السلام فرمودند: قرآن کریم مختص به یک زمان خاص نیست که برای زمانی باشد و برای زمانی نباشد و برای مردمانی باشد و برای مردمانی دیگر نباشد، بلکه برای هر عصری جدید است و برای هر نسل، قوم، ملت و گروهی تا روز قیامت نو است. با این نگاه وقتی به قرآن می‌نگریم، بتوانیم پاسخ‌های زمان خود را بیابیم، وارد تفسیر راهنما شویم. اگر دوستان دقت کنند مطالبی از روزگاران ما هم در آن آمده است؛ اما این محدودیت به ما اجازه نداد که قلم فرسایی کنیم و به تحلیل و بررسی عمیق همه مفاهیم و واژه‌ها بپردازیم و آنها را با نیازهای روزگار خود تطبیق دهیم؛ چون ما در پی یافتن آیات پراکنده در قرآن و در لابلای الفاظ و مطالب و کلمات و جملات بودیم که اطلاع‌رسانی دقیقی ارائه کنیم و کتاب راهنمایی باشیم که خوانندگان اطلاعات مورد نظر خود را در آن بیابند.

موضوعات زیادی در قرآن کریم وجود دارد، اگر کسی خواست آنها را بیابد، چه باید بکند؟ متولیان تفسیر راهنما عهده‌دار این بودند که کاری در این زمینه انجام دهند و به همین دلیل این اثر در عین تفسیر بودن، کتاب مرجع است. با این تفاوت که در اینجا امکان قلم‌زنی و بررسی گسترده وجود نداشت و خیلی نمی‌شد آیات را به طور گسترده تفسیر کرد. تفسیر در ۲۰ جلد منتشر شده است، هر جلد بین ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ جلد فیش دارد که هر فیش دارای دو یا سه نکته جدی است؛ بنابراین، اگر میانگینی از مطالب استفاده شده از قرآن کریم بگیریم، بالغ بر ۶۰/۰۰۰ موضوع قرآنی را به صورت مستقل آوردیم که هر کدام دارای ابعاد مستقلی هستند که اگر از هر فیش سه موضوع در نمایه‌سازی گرفته شود، حدود ۱۸۰/۰۰۰ موضوع می‌شود که بخشی تکراری است و با حذف آنها 100/000 موضوع می‌شود که در پانزده سال این موضوعات را استفاده کرده‌ایم. ملاحظه‌کنی: یکی از ویژگی‌هایی که آقای ایازی گفتند، بحث نمایه‌سازی و فهرست‌نگاری در تفسیر راهنما بود، این قسمت را تا حدودی بنده دنبال می‌کنم و مزایایی را که در این قسمت قابل ذکر است، بیان می‌کنم که شاید ثمر بخش باشد. منظور از «نمایه» راهنمایی کردن است و در تفسیر راهنما یک ویژگی، مدخل‌ها و نمایه‌هایی است که در آن گنجانیده شده است. نمایه‌سازی در دو نوع «ستنی» و «ماشینی» انجام می‌شود و شاید اولین کاری به این شیوه باشد که در تفاسیر قرآن شکل گرفته و این کار با شیوه ستنی شاید اولین پیشینه است که در تفسیر انجام می‌شود. با توجه به سیاست علمی مرکز، سیستم نمایه‌سازی مقید را پذیرفتند و زبان «هم آرا» را پیش گرفتند که شاید بتوان گفت یکی از بهترین نمایه‌سازی‌هاست که در بحث اطلاع‌رسانی مطرح می‌باشد.

نمایه‌سازی «هم آرا» نیز در دو گرایش شکل می‌گیرد، یا «پس هم آرا» یا «پیش هم آرا» می‌شود که هر کدام مزایای خاص خود

را دارد و همان طور که آقای معادیخواه گفتند، دفترهایی که در ابتدای امر به این مجموعه واگذار شد، نمایه‌سازی «پس هم آرا» را تا حدودی داشت؛ یعنی تکواژه، می‌گذاشت. هم آرا یعنی واژه‌های مدخل‌ها ضبط و در لیستی به کاربر نمایه تحویل داده می‌شود که نمایه ساز و کاربر نمایه تنها از یک مدخل و عنوان استفاده کند و از زبان آزاد استفاده شود و به قلم فیش بردار و مفسر نگاه نکند و آنچه را خودش تشخیص می‌دهد را انتخاب نکند و مدخلی نباشد که باعث تشّت در اطلاع‌رسانی شود؛ لذا ابتدا سیاهه نمایه تعیین می‌شود و به کاربر سپرده می‌شود که «هم آرا» می‌شود؛ اما اگر «پیش هم آرا» باشند؛ قبل از ورود به بانک اطلاعات، می‌باید سیاستی را در پیش بگیرند، و نیز پیش از اینکه این اطلاعات به بانک برود و اطلاعات در رایانه بازیابی شود، قسمتی از کار را به نمایه ساز دادیم و قوانینی را در آنجا مصوب کردیم که اگر نمایه‌ای درست ترکیب شود، پیام یک فیش و پیام مدرک را بازگو کند که از پیش چه مدخل‌هایی با چه عنوان‌هایی ترکیب شود و به چه صورت ترکیب این روش «هم آرا» که معروف به نمایه‌سازی «مهار شده» است، انتخاب شد؛ لذا از مزایای تفسیر راهنما، نمایه‌هایی است که تحت هر فیشی ثبت و ضبط می‌شود. بهتر است من مراحل نمایه‌سازی را بیان کنم. بعد از کارهایی که گروه تفسیر راهنما که شکل‌های مختلف داشتند و یک آیه را با دیدگاه‌های مختلف فیش‌برداری می‌کردند، هر گروه بعد از تمام شدن مراحل فیش‌برداری، همه فیش‌ها را به گروه‌های مختلفی (به مقتضای موضوع به گروه‌های خاص خود) تحویل دادند و بعد از اینکه فیش به گروه‌های مختلف در واحد نمایه‌سازی تحویل داده می‌شد، طبق آن سیاست، فهرست مدخل‌ها و فهرست نمایه‌های ترکیبی تدوین می‌شد. الان یکی از پیام‌های خوب ما برای جامعه فرهیخته این است که در بانک اطلاعات بعد از پایان جلد ۲۰ بیش از ۲۰۰۰۰۰ نمایه ترکیبی وجود دارد که اگر محققى دنبال مطلبی باشد، آنچه در تفسیر راهنماست با یک برنامه هوشمند در بانک اطلاعات طراحی شده است و با مدخل‌هایی آماده است که پس از برنامه‌ریزی - ان شاء الله - به صورت نرم‌افزار در دسترس قرآن پژوهان قرار می‌گیرد، و این ۲۰۰۰۰۰ نمایه دسترنج دوستانی است که در این بخش فعالیت کرده‌اند و نمایه‌ها را به شکل خاصی که زبینه یک تفسیر نوین است، عرضه می‌کنند و از امتیازهای این تفسیر یکی همین است که توانستیم نمایه را به صورت ترکیبی و پیش هم آرای با مداخل خاص داشته باشیم.

البته باید گفت که در نمایه‌سازی «پیش هم آرا» دو ابزار کار جزء ضروریات لاینفک است که اگر نمایه‌سازی «پیش هم آرا» بخواهد رونق بگیرد، باید این ابزارها را داشته باشد؛ یکی اصطلاح نامه است و یکی از محصولات ما تهیه اصطلاح نامه معارف قرآن است که آماده چاپ شده و شاید اولین اصطلاح نامه در حوزه قرآن باشد و می‌تواند حرفی درباره اصطلاحات قرآنی بزند، و ابزار دوم نیز به نام سیاهه نمایه‌ها که در قالب 200000 نمایه ترکیبی آماده است.

معادیخواه: یکی از حضار این نکته را یادآوری کردند که این استنباط از آیات قرآن به تخصص‌هایی نیاز دارد. مطمئناً کسی که با نگاه اقتصادی به قرآن نگاه می‌کند با نگاه کسی که دید اجتماعی، عرفانی و... دارد، متفاوت است. قرآن کریم برای نگاه‌های متفاوت و هر گروه و قوم خاصی نیز، کتاب هدایت است. سؤال این است که آیا تمام تخصص‌ها در پیدایش تفسیر راهنما نقش داشته‌اند؟ باید گفت تلاش شده است که این کار انجام شود؛ اما این شروع کار است و آنچه اینک انجام شده با همه عظمت و ارزش و نو بودن، آغاز کار است؛ و من تصور می‌کنم که اگر یک باشگاه گفتمان برای جمع‌آوری آرا و نظریات داشتیم، این کار می‌توانست کامل باشد. سؤالی هم هست و آن اینکه این نهاد با دیگر مراکز تحقیقاتی چه ارتباطی دارد؟ که بهتر است خود دوستان پاسخگو باشند و در واقع در استنباط از آیات قرآن، ما چه راهی را می‌توانیم پیدا کنیم که همه سلیقه‌ها و برداشت‌های متفاوت را در بر بگیرد؟ تقاضا می‌کنم آقای ایازی در این باره توضیح دهند.

ایازی: چیزی که ما به عنوان یک اصل کلی پذیرفتیم، این است که ما «خاتم الانبیا» و «خاتم الکتب» داریم، اما «خاتم المفسرین» نداریم که بگوییم این تفسیر بهترین است، از این بهتر نمی‌آید و حرف آخر را زده است؛ لذا کسانی که در این مجموعه کار می‌کنند، وقتی قرار شد این اثر نقد و ارزیابی شود، هیچ وقت این ادعا را ندارند که حرف بی‌نقصی را گفته‌اند؛ به همین دلیل، آن نکته که آقای مرادی نیز اشاره کردند، شاید یکی از پیامدهای طبیعی یک کار گروهی آن باشد که مجموعه کار هماهنگ و یک دست نباشد. خداوند متعال هم درباره خود اصل وحی این اشاره را کرده و گفته است که اگر این کلام از غیر خدا بود، اختلاف زیادی ایجاد می‌شد که این اختلاف زیاد نشانه ضعف و نقص کار است و به علت ناهماهنگی در مجموعه تفسیر راهنما، دست‌اندرکاران از اول به بازبینی مجدد این تفسیر پرداختند.

طبیعی است که نقص یاد شده وجود دارد و کسانی که این کار را انجام دادند، ابایی از طرح آن ندارند و واقف هستند که این مشکل وجود دارد. در تفسیر المیزان و بقیه هم محسوس است که در جلد اول تا سوم تفاوت اندیشه است و قطعاً در بین مفسران دفتر فرهنگ قرآن نیز تبدل رأی ایجاد شده است. حال اگر این تبدل را ما به حساب دیگران هم بگذاریم، خواه ناخواه می‌بینیم که این مسئله وجود دارد و این طبیعی است که در یک کار گروهی بازبینی مجدد اقتضا پیدا می‌کند. من قصد نقد تفسیر راهنما را ندارم؛ زیرا دست کم ۷ تا ۸ جلد را خود من کار کرده‌ام و کاملاً می‌فهمیم که مشکل کار کجاست؛ لذا اگر بخواهم فهرست وار بگویم یکی از مشکلات این است که مجموعه فهرست یک سطح نیست و فراز و نشیب دارد و دیدگاه‌های متفاوت در آن دیده می‌شود و من سخن آقای یزدی را اصلاح می‌کنم که اگر در جمله و یا فرازی یک جور و جای دیگر یک جوری دیگر تفسیر شد، این امتیاز نیست.

ممکن است ناگزیر و ناخواسته هم اتفاق بیفتد، ولی باید آن را برطرف کنیم و نمی‌تواند امتیاز باشد، و نکته دیگری که در تفسیر عصری داریم، و فرق بین وحی و تفسیر هم همین است، مطابق نیازها و مخاطبان جدید می‌خواهد تغییر کند؛ بنابراین در مدت ده تا پانزده سال نیازهای جدیدی پیدا می‌شود که مفسران باید پاسخگوی آن نیازها باشند و اقتضا می‌کند که بازبینی و ویرایش جدید بشود و من به این جهت عرض می‌کنم که کار خوبی که مرکز در حال حاضر انجام می‌دهد، بازبینی تفسیر است و هیچ وقت فکر نکنند که کار تفسیر تمام شده است. یک دایره المعارف نیاز به ویرایش دارد و البته تفسیر، آن هم تفسیر راهنما نیاز به بازبینی مداوم دارد.

معادینخواه: آقای باقری از حضاران جلسه می‌خواهند نکته‌ای را تذکر دهند.

باقری: بنده شخصاً از این تفسیر استفاده کرده‌ام. نکته‌ای که می‌خواهم بگویم ناظر بر حرف آقای یزدی بود. من بارها این تفسیر را به طور موضوعی از آغاز تا پایان بر حسب نیازهایی که داشتم، خوانده‌ام. یک موضوع را در نظر گرفتم و بدون استثنا تفسیر را از نظر پرداختن به یک موضوع واحد ناقص دیدم. از یک آیه خاص و یک مضمون و محتوا برداشت‌های متفاوت و متنوعی ارائه شده و این توضیح کافی نیست که چون آیات در جاهای متفاوت و سیاق‌های متفاوت است، پس این حق وجود دارد که برداشت‌های متفاوتی از آن بشود.

اگر ما در صدد توجیه وجود تفاسیر مختلف بودیم، این سخن پذیرفتنی بود که هر مفسری در تفسیری که به نام خودش است، نظری ارائه داده، ولی وقتی از یک تفسیر سخن بگوییم و صدها نفر در آن مشارکت داشته باشند، وحدت عنوان تفسیر اقتضا می‌کند که برداشت‌های یکسان و منسجم وجود داشته باشد. البته این مقدار پذیرفتنی است که از یک آیه در فرازی به علت ما قبل و ما بعدش، به نسبت یک آیه مشابه برداشت ویژه‌ای بشود؛ اما این قابل قبول نیست که از متن صریح یک آیه، در جایی

برداشتی بشود و در جایی دیگر از آن غفلت گردد که فراوان به چشم می‌خورد. نکته دیگر این است که اساس کار تفسیر راهنما، برای استخراج موضوعات قرآنی از غیر کلمات صریح بوده است؛ اما در عین حال وقتی موضوعی به تفسیر نگاه می‌شود، می‌بینیم که از مفاهیم بسیاری غفلت شده است؛ اما در عین حال وقتی موضوعی به تفسیر نگاه می‌شود، می‌بینیم که از مفاهیم بسیاری غفلت شده است؛ مثلاً جایگاه قرآن را مورد مطالعه قرار دادیم و تفسیر راهنما را نگاه کردم که از مجموعه نمایه‌ها و مدخل‌هایی که برای این منظور به تفسیر عرضه شده و به نظر صدها نمایه جدید می‌باشد، در تفسیر راهنما خبری نیست. معادینخواه: چون به سخنان آقای یزدی نقدی شد، از ایشان می‌خواهم پاسخ دهند؛ اما فکر می‌کنم یک اشکال اساسی در برنامه کار هست که اگر بخواهد آن مسئله عنوان شود، به یک فرصت و وقت دیگر نیاز داریم.

یزدی: بحث به آنجا کشیده شد که مشتاق آن بودیم که نقدها را برای اصلاح کار بشنویم. گفته شد در آیات مشابه تفاوت مفهوم در تفسیر وجود دارد و این را چگونه توجیه می‌کنید؟ آقای ایازی توضیحی دادند که در واقع توجیه عملی کار بود که نامی‌ساز بودن و هماهنگ ساختن پنجاه فکر است که به یک تفسیر پرداخته‌اند و اینها در گروه‌های پنج نفره و در گروه‌های کنترل سه نفره و در گروه دو نفره به نام گروه کنترل ثانویه، مشغول بودند؛ یعنی سه مرحله روی این آیات کار شد. در مرحله اول که گروه‌های پنج نفره، برداشت‌های خود را یادداشت می‌کردند و همه قرآن فیش‌برداری شد، در گروه‌های سه نفره این یادداشت‌ها باردیگر بررسی گردید که در اثباتش مشکلی وجود دارد یا خیر و آیا مشکل را می‌توان بر طرف کرد یا خیر؟ گروه‌های سه نفره بیشتر کارهای گروه‌های قبلی را بررسی کردند و اصلاحات انجام شد. باز هم کار نقص داشت، کار به گروه‌های دو نفره داده شد تا یک نفر عهده دار اصلاح نهایی شود و یک نفر همراه آن نفر اصلی یادداشت‌های او را نقد کند، و تا هنگام چاپ از نظر سه گروه متفاوت گذشت. اما ما در این میان، فاقد گروهی بودیم که به این صورت به برداشت‌ها نگاه کند که آیات مشابه را هماهنگ کند، حال چرا ما این گروه را تشکیل ندادیم؟ زیرا کار تفسیر تکمیل نشده بود و وقتی جلد اول را عرضه کردیم، احساس کردیم که برداشت‌ها مشکل دارد و مجبور شدیم جلد اول را بازنویسی کنیم، و اصلاحات عمده‌ای در جلد اول انجام شد و در جلدهای دوم و سوم باز این امر را احساس کردیم و فکر کردیم که اگر از همین الان گروه هماهنگ‌سازی برداشت‌ها تشکیل شود، ناموفق خواهد بود، زیرا ما هنوز کار جلدهای نهایی را آماده و عرضه نکرده‌ایم که بخواهیم اینها را معیار قرار دهیم و بین آیات مشابه جمع کنیم؛ لذا منتظر ماندیم که ۲۰ جلد تفسیر آماده شود که الحمدلله به چاپ رسیده است. الآن فرصت خوبی است که گروه هماهنگ‌سازی تشکیل شود تا آیات مشابه یکدیگر را به این صورت نگاه کند؛ برای مثال، مبنای «فبأی» آلای ربکما تکذبان»، برداشت‌هایی که ذیل اولین آیه است با برداشت اول و برداشت‌های ذیل آیه دوم ممکن است متفاوت باشد، با اینکه در یک گروه مورد بررسی قرار گرفته است، و در اینجا معلوم می‌شود که آیه در هر جایگاهی ناظر بر یک مطلب دیده شده است. پس از اینکه ما گروه هماهنگ‌سازی آیات مشابه را تشکیل دادیم، از اینجا شروع کردیم که آیات مشترک را در قرآن جدا کرده و در کتابی که منتشر نشده و در اختیار خود مرکز است، جمع کردیم تا در نهایت، برداشت‌های آن را در بازنگاری تفسیر راهنما - که شروع شده و به حمدالله پیش رفته - مدنظر قرار دهیم. و همزمان با آن برداشت‌های آیات مشترک را نیز همسان می‌کنیم.

در یک آیه که اوایل قرآن است و نظیر آن در اواخر قرآن نیز آمده است، آن گروه مطالبی دارد که گروه آخر، از آن غفلت کرده است و این غفلت گروه دوم و یا گروه اول باعث می‌شود مراجعه‌کننده از هر دو نظر استفاده کند؛ یعنی اگر گروه‌ها را موظف می‌کردیم فقط یک نظر را بپذیرند و جز این چیزی اضافه نکنند. نقص عمده‌ای در تفسیر راهنما به وجود می‌آید. بعضی

گروه‌های ما متخصصان قوی و از افراد آگاه هر رشته بودند، و وقتی ۲۰ جلد را جلو خود بگذاریم، از جمع‌آوری گروه بهره‌مند می‌شویم. اینها اختلاف نیست که بگوییم نقص تفسیر راهنماست. شاید دومین اشکال این بود که گفتند شما برداشت‌هایی از آیات مشابه دارید که ناقض یکدیگر است، بله این نظر درست است و ما منکر آن نیستیم و اینکه منجمد نبودیم و اجازه دادیم به گروه‌های بعدی که برداشت‌های خود را ضمیمه کنند و در جلدی که مخصوص خود آنهاست، چاپ شود و شما به عنوان مراجعه‌کننده چون به هر دو مراجعه می‌کنید، می‌توانید از آیه بعدی به آیه قبلی برگردید و ذهن خود را نسبت به آیه قبلی پرورش بدهید و تکمیل کنید.

معاذی‌خواه: سؤال دیگر را آقای طالبی جواب دهند.

طالبی: تفسیر راهنما دو جنبه دارد، یک جنبه این است که آن را با تفاسیر دیگر مقایسه می‌کنیم که هر مقایسه یک امتیاز دارد و آن این است که سبک و روش نوین در ارائه موضوع‌ها و مفاهیم قرآن دارد و روش بدیعی است و سعی شده است که مطالب هر آیه را در این روش نو در حد توان ارائه دهد. از طرفی این تجربه اول است که باید تکرار شود، پرونده تفسیر راهنما با توجه به اینکه روش بدیعی است، باز است و باز بودن پرونده تفسیر به این معنی است که نواقصی دارد و باید به تدریج برطرف شود.

مرادی: خود گروه تفسیر راهنما هم به این اختلاف برداشت‌ها پی برده بودند. یک وقت ما آیه مشابهی را پیدا کرده بودیم که ذیل یکی ۱۷ برداشت و ذیل دیگری ۱۲ برداشت و ذیل سومی ۸ تا برداشت داشت که علی القاعده باید سطح آنها بین ۱۴ و ۱۳ می‌شود، ولی خیلی تفاوت بود. این دغدغه همواره بود که تفسیر نقد شود و اشکالات مرتفع شود؛ اما به نظرم هنوز در اول راه هستیم و باید تلاش کنیم که این شروع مبارک به نتیجه برسد. این بازبینی، پاسخ نمی‌دهد و فقط هماهنگ‌سازی و یک دست‌سازی مجلدهاست.

در مورد برداشت از آیات قرآن کریم، ما اصولی در تفسیر داریم که مدون هم هست. از اصل شروع تفسیر نگاری تا دوران ما، این قواعد گفته شده و پخته شده است، ما هم در تفسیر راهنما یک تجربیاتی داشتیم که براساس آن آیین نامه اجرایی، برداشت‌ها را انجام می‌دادیم و اگر غفلتی خارج از چهارچوب بوده، در حدی نیست که لطمه‌ای اساسی به کار بزند.

بنابراین وقتی که برداشت‌ها و تفسیر و شرح یک قسمتی در یک چهارچوب شناخته شده‌ای انجام شود، چنان اختلافات فاحش و تابع ذوق و سلیقه نمی‌شود که به قول این دوست عزیز، برداشتی با برداشت دیگر ۸۰ درصد تفاوت داشته باشد. من خود به دلیل کاری که در مجموعه داشتم با پنج شش گروه تخصصی در مؤسسات مختلف همکاری می‌کردم. مثلاً حقوق، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، طبیعیات و... نمونه کار می‌دادیم و می‌گرفتم با چهارچوب‌های شناخته شده تفسیر دقیقاً منطبق می‌شود و اگر روی اصول و قواعد بود تصویب می‌شد و چنین نیست که یک متن دینی به دست هر کس داده شود و او طبق ذوق و سلیقه خودش هرگونه برداشت دلخواه خودش را تحمیل کند. البته تفسیر راهنما نتوانست به ایده‌های بزرگی که مدنظر داشت کاملاً جامه عمل بپوشاند و امیدواریم این کار در وقت دیگری و با نگاه وسیع‌تری به جامعیت بهتری برسد.